

تأثیر شاهنامه بر ادبیات مردم قزاقستان ۱۰۶

جستارنامه ادبیات تطبیقی

سال دوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

تأثیر شاهنامه بر ادبیات مردم قزاقستان

(صص ۱۰۶-۱۱۵)

سیدمحمدباقر کمال‌الدینی<sup>۱</sup>؛ سید شهاب کمال‌الدینی<sup>۲</sup>

### چکیده

شاهنامه فردوسی بر ادبیات دیگر کشورها، از جمله ادبیات قزاقی تأثیر گذاشته است. تأثیر شاهنامه بر شاعران و نویسندگان قزاقی در دو بخش قابل بررسی است؛ برخی از آنان به مضامین شاهنامه توجه داشتند و برخی دیگر، داستان‌ها و شکل آن‌ها را تقلید و به سرودن رستم‌نامه‌ها و شاهنامه‌های منثور پرداخته‌اند؛ زیرا شجاعت قهرمانان شاهنامه به آثار حماسی و سنت‌های شعری مردم قزاق شباهت دارد؛ از این‌رو حکایت‌های روایی و مکتوب شاهنامه در میان قزاق‌ها از شهرت بالایی برخوردار است. این پژوهش در صدد است تا به بررسی ارتباط و تأثیر شاهنامه فردوسی بر ادبیات قزاقی از طریق معرفی چند تن از شاعران و نویسندگان قزاقی که به شاهنامه علاقه داشته‌اند بپردازد. مقاله به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نوشته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** شعر فارسی، شاهنامه، فردوسی، ادبیات قزاقی

---

<sup>۱</sup> دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور [kamaladdini@pnu.ac.ir](mailto:kamaladdini@pnu.ac.ir)

<sup>۲</sup> دانشجوی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران [kamaladdini@yahoo.com](mailto:kamaladdini@yahoo.com)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱۰)

## ۱- مقدمه

پیشینه پیوند آسیای مرکزی با ایران به قبل از اسلام باز می‌گردد. پس از ظهور اسلام و گسترش آن، این منطقه به صورت یکی از مراکز علمی و فرهنگی در آمد. بسیاری از محققین معتقدند، نخستین فرهنگی که اقوام محلی آسیای مرکزی با آن رو برو شدند، فرهنگ شرقی - ایرانی بوده است.

داستان‌های شاهنامه فردوسی نیز از دیرباز سینه به سینه در میان قزاق‌ها نقل می‌شده است. چنانکه مردم قزاق رستم را نماد دلاوری می‌دانند. پیشینه و فرهنگ مشترک دو ملت را به راحتی می‌توان از طریق شعرا و دانشمندان این سرزمین بررسی کرد. بسیاری از شعرا و دانشمندان آسیای مرکزی در مکتب شرقی - اسلامی درس آموخته‌اند. «مختومقلی فراغی»، «امیر علیشیر نوایی»، «صدرالدین عینی» و «آبای» که از شعرای نامدار و مورد احترام در جمهوری‌های آسیای مرکزی هستند، همگی پیوند عمیقی با فرهنگ شرقی - اسلامی داشتند. از سوی دیگر شعرایی چون حافظ، سعدی، فردوسی، خیام و... در نزد عموم مردم این مناطق شناخته شده هستند.

یکی از این جمهوری‌ها، جمهوری قزاقستان است که با ایران روابط فرهنگی بسیار کهنی دارد. وجود کلمات فارسی در زبان قزاقی و بالعکس، شناخته بودن مشاهیر ادبی در میان دو ملت دلایل آشکاری هستند بر این که روابط فرهنگی گسترده‌ای در طول تاریخ بین این دو ملت وجود داشته است.

### ۱-۱ - پیشینه پژوهش:

با توجه به اینکه چند سالی از استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی نمی‌گذرد، درباره ارتباط ادبی این کشورها با ایران نیز کارهای جدی و اساسی تاکنون صورت نگرفته است.

موضوع تأثیر شاهنامه بر ادبیات مردم قزاقستان اولین بار توسط نگارنده و طی دو سال اقامت وی در این کشور که با هدف تدریس زبان و ادبیات فارسی

صورت گرفته، مطرح شده است. یقیناً این مقاله می‌تواند راهگشا و الهام بخش نویسندگان و محققان باشد.

### ۱-۲- روش تحقیق:

مقاله حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای موجود در ایران و قزاقستان و به روش تحلیلی-توصیفی نوشته شده است. بیشتر منابع به زبان فارسی و چند منبع نیز به زبان روسی و قزاقی است.

### ۱-۳- تأثیر شاهنامه بر ادبیات مردم قزاقستان

قزاقها با شاهنامه آشنایی دیرینه دارند. پهلوانان شاهنامه در ادبیات شفاهی قزاقی ذکر می‌شوند. وجود داستانهای پهلوانی - حماسی مثل آلپامیس باتیر(باتر)، قوبلانندی باتیر، قنبر باتیر، ار تارغین و... یادآور پهلوانان شاهنامه است. چنان که شاعران قزاقی در تشبیهاتی مانند زیبایی، شجاعت، رویتنی و ... گاهی از پهلوانان حماسی ایران نام برده و مخاطب را به الگو گرفتن از آنها دعوت می‌کنند. ادبای قزاقی در میان آثار ادب فارسی بیش از همه از شاهنامه فردوسی متأثر شده و آثار عدیده‌ای را به وجود آورده‌اند که هر کدام نقش به‌سزایی در شکوفایی روابط فرهنگی دو ملت ایفا کرده‌اند.

شاهنامه که نمادی از فرهنگ و تاریخ اسطوره‌ای حماسی و منظوم فارسی است، در مقایسه با دیگر آثار شرقی بیشترین تأثیر را در ادبیات قزاقی گذاشته است. تا جایی که اکثر شاعران و نویسندگان قزاقی «رستم‌نامه»هایی ترتیب داده و کوشیده‌اند بخشی از شاهنامه را به زبان قزاقی بازگوایی و ترجمه کنند و یا خود به تبعیت و تقلید از شاهنامه، داستان‌هایی را خلق کنند.

در رستم‌نامه‌های قزاقی همیشه خوبی‌ها در برابر بدیها پیروز می‌شوند. شاعران قزاقی به این داستان‌ها چیزهای جدیدی اضافه می‌کردند. کار بازگوایی و ترجمه شاهنامه به زبان قزاقی از دهه سی سده نوزده میلادی آغاز گردیده است. از جمله این شعرا و نویسندگان قزاقی که داستانهای شاهنامه را به زبان قزاقی

ترجمه و یا بازگو کرده‌اند می‌توان از: اوراز ملا، سردالی، شادی جهانگیراولو، محمدجان سرالین، تورماغانبت ایزتلوف، رحیمبای قولبایف، مجید دولت بایف و ... نام برد.

از بین این شاعران اولین کسی که به ترجمه شاهنامه دست زده است، اورازملا می‌باشد. اورازملا بین سال‌های ۱۸۵۶-۱۸۷۰ سه قسمت از شاهنامه، سردالی در سال ۱۸۸۸ یک قسمت از شاهنامه و محمدجان سرالین در سال ۱۹۱۴-۱۹۱۵ رستم و سهراب را ترجمه کرده است. این ترجمه‌ها بیشتر از متون ترجمه شده زبان جغتایی، ازبکی، تاجیکی و روسی صورت گرفته است. شاعر نامدار قزاق، آبای قونانبایف از آنجا که به زبانهای فارسی، عربی و روسی آشنایی کامل داشت، اشعار و داستان‌های شاعران بزرگ شرقی، از جمله شاهنامه فردوسی را از روی متن اصلی و گاه از ترجمه‌های ترکی جغتایی آن خوانده بود.

یکی از نفیس‌ترین آثار خطی، ترجمه شاهنامه فردوسی به زبان ترکی جغتایی است که بیش از یک هزار صفحه است و در کتابخانه ملی قزاقستان نگهداری می‌شود. این نسخه شاهنامه در سال ۱۷۲۱ میلادی نوشته شده است. مترجم آن نامعلوم است و نسخه خوانا نمی‌باشد و تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته است. (اوراز ملا، ترجمه شاهنامه فردوسی، مرکز نسخه‌های خطی کتابخانه آکادمی علوم قزاقستان)

بعضی نویسندگان و شاعران قزاقی، از جمله سرالین از ترجمه‌های روسی شاهنامه استفاده کرده‌اند که به وسیله ژوکوفسکی از روی متن آلمانی به نظم درآورده شده است. وجود نقاشی‌ها و تصاویر دیواری از جنگهای شاهنامه نیز در این اثر جالب توجه است. هم‌چنین وجود نقلها و عاشق‌های (عاشیق) محلی که به زبان قزاقی، آقین، ژیراو و ژیرشی نامیده می‌شوند، در ادبیات قزاقی حائز اهمیت است که این افراد، داستانهای قهرمانی (مثل شاهنامه) را به طور شفاهی همراه با شعرسرایی، سازنوازی و آوازخوانی برای مردم می‌خواندند که از جمله آنان می‌توان به جامبول جابایف و شاگرد وی کنن ازیربایف اشاره کرد.

همچنین شاعران قزاق در مدح فردوسی شعرها سروده اند. شاهنامه یکی از پر خواننده ترین کتابها در قزاقستان می باشد و فیلم سینمایی شاهنامه توجه مردم را به خود جلب کرد. گذشته از اینها شاهنامه فردوسی در آداب و رسوم قزاقها رسوخ پیدا کرده، چنان که کتاب شاهنامه به عنوان یکی از ارکان اصلی جهیزیۀ عروس بوده است. (کمیسبایف، ۱۹۸۹: ۴۶)

در این جا این نکته قابل یادآوری است که در ادبیات ملل مختلف دو نوع منظومۀ حماسی می توان یافت:

## ۲- منظومه های حماسی طبیعی و ملی

### ۲-۱- منظومه های حماسی مصنوع

منظومه های حماسی طبیعی و ملی در نتیجۀ افکار و ذوق و اندیشه و عواطف یک ملت در طی اعصار به وجود آمده و بیان گر وجوه عظمت و نبوغ آن ملت می باشد و مشحون است به ذکر جنگ ها و پهلوانی ها و جانفشانی ها و فداکاری ها؛ و در عین حال مملو است از آثار تمدن و مظاهر روح و فکر مردم یک کشور در قرون معینی از ادوار حیاتی ایشان که اغلب آنها را به دوره های پهلوانی تعبیر می کنیم و شاهنامه فردوسی هم جزو این منظومه هاست.

اما در منظومه های حماسی مصنوع، شاعر با داستانهای پهلوانی مدون و معینی سروکار ندارد؛ بلکه خود به ابتکار و ابداع می پردازد و داستان را از پیش خود به وجود می آورد و در نهایت با استعانت از ذوق خلاق خود به آفرینش حماسه دست می زند. (صفا، ۱۳۷۴: ۲۶)

همان طور که می دانیم موضوع شاهنامه، تاریخ ایران قدیم، از آغاز تا انقراض حکومت ساسانی به دست اعراب است که طی سه دوره متمایز آورده شده است:

الف- دوره اساطیری ب- دوره پهلوانی پ- دوره تاریخی

شعرا و نویسندگان قزاقی بیشتر تحت تأثیر قسمت پهلوانی شاهنامه قرار گرفته و داستان های پهلوانی شاهنامه را به زبان قزاقی ترجمه و یا بازگو کرده اند. هر چند که

آنها از ذکر داستان‌های اساطیری (داستان جمشید و ضحاک) و تاریخی (داستان اسکندر) هم بی‌بهره نبوده‌اند. در این میان، داستان رستم دست‌ان بیش از همه مورد توجه و اقبال شعرای قزاقی قرار گرفته است، چنان‌که «رستم‌نامه»‌های متعددی به پیروی از داستان رستم شاهنامه ترتیب داده‌اند.

سرزمین وسیع قزاقستان با وجود اینکه از روزگاران قدیم با ایران هم مرز نبوده است، ولی رستم داستان را به عنوان الگوی جوانمردی و پهلوانی پذیرفته است. قزاق‌ها، از زمان‌های قدیم نه تنها پیوند خود را با مردم آسیای میانه از نظر ژنتیکی و تاریخی حفظ کرده‌اند، بلکه اثرات فرهنگ شرق را در فرهنگ خود پذیرفته‌اند. این رویکرد به طور کلی در افسانه‌ها و اسطوره‌های قزاقی مشاهده می‌شود.

میراث شرق از دو طریق به قزاقستان راه یافت: اول از طریق ارتباطات روزمره مردم به طور شفاهی و دوم از طریق آثار دست‌نویس و مکتوب.

در آن دوران، شهرهای قزاقستان مثل: طراز، فاراب، اترار، آلمالیک، سایران، ساوران و اورداکت و... مراکز بزرگ فرهنگی محسوب می‌شدند. در این شهرها کتاب‌های دست‌نویس در زمینه‌های مختلف ادبی و علمی در کتاب‌خانه‌ها جمع‌آوری می‌شد. در این کتاب‌خانه‌ها، ادیبان، خوشنویسان، نقاشان و رونویسان مشغول به کار بوده‌اند. آن‌ها به رونویسی کتاب‌های خطی مبادرت می‌ورزیدند و این دست‌نوشته‌ها توسط سیاحان در تمام نقاط جهان منتشر شد.

در راستای آشنایی ادبیات قزاق با الگوهای ادبیات شرق، آباء و محیط شاعرانه پیرامون وی نقش به‌سزایی داشتند. داستان‌های اسکندر، مسعود و عظیم وی به موضوعات ادبیات شرق اختصاص دارد. وی علاوه بر به آشنا ساختن مردم با این ادبیات، به غنی‌سازی منظومه‌های ادبیات قزاقی نیز پرداخت.

شاعران زیادی نیز بودند که در نظیره‌گویی نقش مهمی داشتند. شاعران قزاق با استفاده از سوژه‌های شرقی، داستان‌های زیادی آفریدند. آن‌ها از روش‌های مختلفی استفاده کردند؛ بعضی به طور کامل به نسخه اصلی تکیه کرده و از آن فراتر نرفتند و

عده ای با برخی متغیرهای ادبیات شرق آشنا شده، نسخه ای مستقل آفرینند و برخی تنها چهار چوب داستان‌های شرقی را حفظ کرده و اثری جدید به وجود آوردند. نه تنها سوژه و ایده داستان‌های شرقی به مخاطبان قزاقی رسید، بلکه آن‌ها با خصوصیات و توصیفات آن تا حدی آشنا شدند. ولی سوژه‌های شرقی در راستای ادبیات شفاهی قزاق بیان می‌شد.

به همین دلیل ادبیات حماسی مردم قزاق بر سوژه‌های شرقی بی‌تأثیر نبود و عناصر فولکلور قزاقی نیز به آنها پیوست. این آثار بیشتر به صورت شفاهی بود و داستان‌هایی که براساس سوژه‌های شرقی به وجود آمده بود، به بخشی از ادبیات قزاق تبدیل شد. در این زمینه مخصوصاً یوسف بیک شیخ الاسلام، شادی جهانگیر، تورماغنبت ایزتولوف و سایرین تلاش‌های پرثمری انجام دادند. داستان‌های قزاقی که به سبک شرقی بیان می‌شد، بیانگر پیوندهای ادبی و فرهنگی میان ملت‌هاست. علت این علاقه مندی مردم قزاق، اولاً سعی در درک و فهم ملل مختلف و ثانیاً تعدد سوژه‌ها، تعدد منابع جغرافیائی، تاریخی و اسطوره ای می‌باشد.

داستان‌هایی که بر اساس سوژه‌های شرقی نوشته شده، به ثروتهای معنوی مردم تبدیل شده و به صورت گسترده ای در بین مردم منتشر شده است.

ارتباط ادبی و فرهنگی ایران و کشورهای ترک زبان از دیرباز وجود داشته است. به همین جهت اسطوره‌ها، آداب و سنن و فولکلور این ملل دارای شباهت‌های بسیاری است. به این دلیل پری، دیو و اژدها که در اوستا آمده به عنوان قهرمان افسانه‌های قزاقی مقبول می‌افتد. (اسلام چمنی، ۲۰۰۰: ۸)

جای بسی تأسف است که تا کنون پیوند ادبیات قزاقی و فارسی به صورت علمی و کامل مورد مطالعه قرار نگرفته است. در زمان شوروی سابق، ترجمه برخی از آثار ادبیات فارسی به قزاقی صورت گرفت: از جمله ترجمه آثار فردوسی، سعدی، نظامی، جامی، رودکی، خیام، مولوی و حافظ. غیر از تورماغنبت ایزتولوف، سایر شاعران و مترجمان به دلیل ندانستن زبان فارسی، از نسخ روسی این آثار استفاده کردند. در اینجا نقش مهم ترجمه به وضوح مشخص می‌شود. (همان: ۹)

اصولاً قصه‌ها و داستان‌های قزاقی را می‌توان از لحاظ هدف و مضمون به دو بخش تقسیم کرد:

۱- آثار قزاقی که با الگوی ادبیات کلاسیک شرق به وجود آمده‌اند. برای نمونه می‌توان از شاهنامه، یوسف و زلیخا، مونلیق زارلیق، سیف الملک و غیره نام برد که موضوع این آثار درباره عشق و انسانیت و جوانمردی است.

۲- داستانهای قزاقی که در جهت تبلیغ دین اسلام و مدح صحابه پیامبر می‌باشد. مثل سال سال، جمجمه، در دشت کربلا. (همان: ۲۲۲)

ایده‌ای که بر مبنای «شاهنامه» توسط فردوسی آفریده شده است، دائماً الهام‌دهنده‌ای برای داستان‌سراها بوده است. مردم و داستان‌سراها و قصه‌گوها همواره به پیروزی خوبی بر بدی و مبارزه با تجاوزگران باور داشتند. بنابراین «شاهنامه» به عنوان سرچشمه‌ای برای ایجاد افسانه‌ها و داستان‌های جدید به شمار می‌آمده است.

قسمتی از شاهنامه که در آن درباره دلآوری رستم صحبت می‌شود، ادبای قزاقی را به خود جذب می‌کرد. اغلب رستم‌نامه‌های قزاقی به صورت منظومه‌اند. فقط دو نمونه منثور شاهنامه را در ادبیات قزاقی مشاهده می‌کنیم که متعلق به تاژیباویا و تلوقابیلَف است. در این منظومه‌ها در مورد شجاعت رستم دلیر، سخن به میان آمده است.

ترجمه‌ها، بازگویی‌ها و تلخیص‌های «شاهنامه» به زبان قزاقی، خدمت‌گران-بهایبی به ادبیات قزاقی تلقی می‌شوند. قابل ذکر است که عنصر اصلی داستان‌های قزاقی، دلآوری رستم می‌باشد که در حال دفاع از سرزمین خود در برابر دشمنان بیگانه نشان داده بود.

در شاهنامه، فعالیت مستمر انسان و مبارزه در راه حق و ایجاد صلح بین مردمان ستوده می‌شود. قهرمانی و وفاداری نسبت به مردم، کار دوستی و... این‌ها خصایصی هستند که شاهنامه را با بهترین آثار ادبیات ترکی ارتباط می‌دهد.

شاهنامه در نتیجه خصوصیات بالای اخلاقی و فطری خود نزد شنوندگان و خوانندگان قزاقی در سده‌های نوزده و بیست میلادی مورد توجه قرار گرفت.



ترجمه‌ها، بازگویی‌ها و تلخیص‌های شاهنامه فردوسی نقش به‌سزایی در غنی‌سازی زندگی معنوی ملت قزاق ایفا کرده است.

### نتیجه‌گیری:

با مقایسه داستان‌های حماسی و پهلوانی قزاقی با شاهنامه می‌توان به این نتیجه رسید که بسیاری از وقایع و شخصیت‌های شاهنامه در ادبیات قزاقی نیز مثل و مانند دارند. قهرمان قزاق، آلپامیس، مثل رستم برای حفظ سرزمین خود به مبارزه برمی‌خیزد. هدف از سرودن شاهکارهای ادبی حماسی شاهنامه و آلپامیس، برانگیختن غرور ملی است تا از این طریق کشور را در مقابل دشمنان حفظ کنند.

### فهرست منابع:

#### الف) منابع فارسی:

- ۱- قرآن کریم
  - ۲- اسلام چمنی، ۲۰۰۰، حافظ و ادبیات قزاقی، آلمانی قزاقستان
  - ۳- اوراز ملا، ۱۹۶۱، ترجمه شاهنامه فردوسی، مرکز نسخه‌های خطی کتابخانه آکادمی علوم قزاقستان
  - ۴- صفا، ذبیح الله، ۱۳۷۴، حماسه‌سرایی در ایران، فردوس، چاپ ششم، تهران
- کومیسبایف، ۱۹۸۹، ارتباطات ادبی قزاقی، فارسی و عربی در قرن‌های ۱۹ و ۲۰، نشر علم، آلمانی قزاقستان

#### ب) منابع قزاقی:

- مغاوین، مختار، شعر پنج عصر، نشر جزوشی، ۲ جلد، بی‌نا ۱۹۹۱
- دیوان آبابی، دو جلدی، آلمانی ۱۹۹۵

#### ج) منابع روسی:

۱. Құран Кәрім, ауд. Халифа Алтай, ۱۹۹۲

۲. Абай журналы. № ۴. ۱۹۹۲.

۳. Абай. Қара сөздер. Поэмалар. Алматы. ۱۹۹۵.

یادداشتها:

Alpamis batir, Qoblandi batir, Qanbar batir, Er Tarqin <sup>۲</sup>

باتیر (batir) یا باتر (batr) به معنای بهادر، پهلوان و دلاور می باشد.

aqin, zhiraw, zhirshi <sup>۳</sup>

Jambul Jabayev <sup>۴</sup>

Kenen Azirbayev <sup>۵</sup>

Tajibayeva, Tileuqabilov <sup>۶</sup>